

ParsBook.Org

پارس بوک، بزرگترین کتابخانه الکترونیکی فارسی زبان

ParsBook.Org



The Best Persian Book library

نام کتاب : مهریه و مراحل قانونی و قضایی آن



کاري از : محمد مهدي حاجي پروانه

منبع: حقوق خانواده و قانون

رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

أَفْضَلُ نِسَاءِ أُمَّتِي أَصْبَحُوهُنَّ وَجْهًا وَأَقْلَهُنَّ مَهْرًا. (بخاری، ج 103، ص 347)

برترین زنان امت من زنی است که زیباییش بیشتر و صداقش کمتر باشد.

امیرالمؤمنین(علیه السلام) می فرماید:

لا تُعَالُوا بِمَهْرِ النِّسَاءِ فَتُكُونَ عَدَاوَةً. (بخاری، ج 103، ص 347)

مهرها را زیاد نگیرید که مایه دشمنی است.

حضرت صادق(علیه السلام) فرمود:

مِنْ بَرَكَهَ الْمَرْأَةِ حِفَّةُ مُؤْتَيْهَا وَتَبْسِيرُ وِلَادَتِهَا وَمِنْ شَوْمِهَا شِدَّةُ مُؤْتَيْهَا وَتَعْسِيرُ وِلَادَتِهَا. (ازدواج در اسلام/95)

کم خرجی و آسان زائی از برکت زن، و سنگینی مخارج و هزینه و دشوار زائی از شومی اوست

رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

لا تُعَالُوا بِمَهْرِ النِّسَاءِ فَإِنَّمَا هِيَ سُقْيَا اللَّهِ سُبْحَانَهُ. (مجازات نبویه/182)

مهرها را سنگین نگیرید، مهر و محبت را باید خداوند مهربان فراهم آورد، پول و مال عشق و محبت نمی آورد.

رسول حق به زنی بنام حولا فرمود:

يَا حَوْلَا وَالَّذِي بَعَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا وَرَسُولًا، مَا مِنْ امْرَأَةٍ تَقَلَّتْ عَلَيَّ زَوْجَهَا الْمَهْرَ إِلَّا أَثَقَلَ اللَّهُ عَلَيْهَا سَلْسِلَ مِنْ نَارٍ. (ازدواج در اسلام/96 - 97)

ای حولا به آن خدائی که مرا بر حق به پیامبری و رسالت مبعوث کرد، زنی نیست که مهر سنگین بر عهده شوهرش بگذارد، مگر اینکه خداوند زنجیرهای آتش بر گردن او گذارد!!

"امکان تقسیط مهریه قبل از مطالبه زوجه"

توضیح: چنانچه زوج بدون این که زوجه مهریه اش را از او مطالبه کرده باشد به دادگاه مراجعه و تقاضا نماید که با توجه به تورم و اوضاع و احوال زندگیش حکم به تقسیط پرداخت مهریه صادر کرده تا ذمه وی خالی از دین شود تکلیف در این مورد چه می باشد اثر مهم وضعی این دادخواست البته به جلوگیری از ازدیاد مهریه نقدی ناشی از شاخص بانک مرکزی برمیگردد به همین دلیل در پاسخ به این بحث مواد 273 و 277 و 1082 و 1083 قانون مدنی نیز مورد توجه و مطالعه قرار گرفت:

الف - نظر اکثریت:

(دادگاه با پذیرش دادخواست در صورت لزوم حکم بر تقسیط مهریه صادر مینماید) از آنجاکه اصل بر پذیرش دعاوی است و تازمانی که منع قانونی نباشد دادگاه مکلف به پذیرش دادخواست تقسیط مهریه می باشد و از طرفی برابر ماده 1082 قانون مدنی زوجه به مجرد عقد، مالک مهر میشود و در نتیجه شوهر مشغول الذمه واقع میگردد لذا موضوع دادخواست مشمول حکم کلی ماده 277 قانون مدنی خواهد بود که بیان کرده است نمیتوان متعهد له را مجبور به قبول قسمتی از تعهد نمود ولی حاکم میتواند نظر به وضعیت مدیون مهلت یا قرار اقساط دهد و چنانچه دادگاه با بررسی جامع احراز نماید که زوج توانایی پرداخت دین خود به طور یکجا ندارد و حتی در مهلت مناسب این امکان برای او فراهم نخواهد شد، طبق قرار اقساط و با در نظر گرفتن سایر مقررات موضوعه، از جمله تبصره ذیل ماده 1082.م حکم به پرداخت مهریه خواهد داد.

ب - نظر اقلیت:

(مادامی که متعهد له، مطالبه تعهد را ننموده دادگاه نمیتواند به نفع یا ضرر او اتخاذ تصمیم نماید) اصل بر آن است که زوج باید طبق تعهد و شرط ضمن عقد عندالمطالبه دین خود را بپردازد و عرفاً این تعهد ضمن عقد نیز از تعهدات مدت دار تلقی میگردد و از طرفی پرداخت اقساطی مهریه بدون مطالبه زوجه در موردی که مهریه وجه نقد باشد میتواند به لحاظ تبصره ذیل ماده 1082 قانون مدنی و تأثیر شاخصهای بانک مرکزی به ضرر زوجه باشد و زوجه خود میتواند به اراده خود صبر نماید تا در زمان مناسب به طور یکجا و بادر نظر گرفتن شاخص (در مورد وجه نقد) مهریه خود را دریافت نماید بدین جهات دادگاه نمیتواند مادامی که متعهد له مطالبه تعهد را ننموده است در اجرای ماده 7 قانون مدنی به ضرر متعهد له تصمیمی اتخاذ نماید.

نشست (5) مدنی: با توجه به ماده 273 قانون مدنی مبنی بر این که "اگر صاحب حق از قبول آن امتناع کند، متعهد به وسیله تصرف دادن آن به حاکم یا قائم مقام او بری میشود و از تاریخ این اقدام مسئول خسارتی که ممکن است به موضوع حق وارد آید نخواهد بود" و نظر به ماده 277 قانون مدنی، نظر اکثریت قضات دادگستری کاشان که در خرداد ماه سال 1380 ابراز گردیده، صحیح تشخیص و مورد تأیید است.

نحوه محاسبه مهریه به نرخ روز:

ماده 1082 - به مجرد عقد، زن مالک مهر میشود و میتواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید.

تبصره - (الحاقی 1376/4/29) چنانچه مهریه وجه رایج باشد متناسب با تغییر شاخص قیمت سالانه زمان تأدیه نسبت به سال اجرای عقد که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین میگردد محاسبه و پرداخت خواهد شد مگر این که زوجین در حین اجرای عقد به نحو دیگری تراضی کرده باشند.

بر اساس تبصره الحاقی به ماده 1082 قانون مدنی مصوب 76/4/29 اگر مهریه وجه رایج باشد متناسب با تغییر شاخص قیمت سالانه زمان تأدیه نسبت به سال اجرای عقد که توسط بانک مرکزی تعیین میگردد محاسبه و پرداخت خواهد شد و نحوه محاسبه آن بدین طریق است که متوسط شاخص بها در سال قبل، تقسیم بر متوسط شاخص بها در سال وقوع عقد، ضربدر مهریه مندرج در عقدنامه.

مثال: خانمی در سال 1382 مهریه خود را مطالبه مینماید، تاریخ وقوع عقد سال 1353 و میزان مهریه پنج هزار تومان میباشد برای تعیین نرخ روز مهریه، شاخص يك سال قبل یعنی سال 81 را که 205/98 میباشد را بر شاخص سال 1353 که 1/48 میباشد تقسیم نموده و حاصل را ضربدر مبلغ پنج هزار تومان مینماییم، نرخ به دست آمده مهریه قابل پرداخت میباشد.

$$205/98 \div 1/48 = 139/17$$

$$139/17 \times 5000 = 695850$$

((ششصد و نود و پنج . . هزار تومان))

شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران (شاخص تورم) اعداد سالانه شاخص در سالهای 1381 - 1315

سال	عددشاخص	سال	عددشاخص	سال	عددشاخص
1315	.05	1338	0/81	1361	5/26
1316	.06	1339	0/88	1362	6/04
1317	.07	1340	0/89	1363	6/67
1318	.08	1341	0/90	1364	7/13
1319	.09	1342	0/91	1365	8/82
1320	.13	1343	0/95	1366	11/26
1321	.25	1344	0/95	1367	14/52

1322	./54	1345	0/96	1368	17/05
1323	./55	1346	0/96	1369	18/58
1324	./47	1347	0/98	1370	22/43
1325	./42	1348	1/01	1371	27/90
1326	./44	1349	1/03	1372	34/26
1327	./49	1350	1/09	1373	46/32
1328	./51	1351	1/15	1374	69/19
1329	./42	1352	1/28	1375	85/26
1330	./46	1353	1/48	1376	100/00
1331	./49	1354	1/63	1377	118/08
1332	0/53	1355	1/90	1378	141/83
1333	0/62	1356	2/37	1379	159/71
1334	0/63	1357	2/61	1380	177/91
135۸	۶۸ /۰	1335	2/91	1381	205/98
135۹	۷۱ /۰	133۶	۵۹/۳	138۲	.../..
13۶۰	۷۲ /۰	133۷	۴۲/۴		

شاخص سال ۸۳ = ۲۷۰

۱

مواد قانون مدني در ارتباط با مهریه

ماده ۱۰۷۸ - هر چیزی را که مالیت داشته و قابل تملک نیز باشد می توان مهر قرار داد .

ماده ۱۰۷۹ - مهر باید بین طرفین تا حدی که رفع جهالت آنها بشود معلوم باشد .

ماده ۱۰۸۰ - تعیین مقدار مهر منوط به تراضی طرفین است .

ماده ۱۰۸۱ - اگر در عقد نکاح شرط شود که در صورت عدم تادیه مهر در مدت معین نکاح باطل خواهد بود نکاح و مهر صحیح ولی شرط باطل است .

ماده ۱۰۸۲ - به مجرد عقد ، زن مالک مهر می شود و می تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید .

تبصره (الحاقی ۱۳۷۶/۴/۲۹) - چنانچه **مهریه** وجه رایج باشد متناسب با تغییر شاخص (شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفی مناطق شهری ایران) تعیینی توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران که به ضمیمه بخشنامه ۱۵۸۴۶/۷۹/۱ مورخ ۲۹/۹/۱۳۷۹ معاون اول محترم رییس قوه قضاییه به مراجع قضایی ابلاغ گردیده است

ماده ۱۰۸۳ - برای تادیه تمام یا قسمتی از مهر می توان مدت یا اقساطی قرار داد .

ماده ۱۰۸۴ - هرگاه مهر عین معین باشد و معلوم گردد قبل از عقد معیوب بوده و یا بعد از عقد و قبل از تسلیم معیوب و یا تلف شود شوهر ضامن عیب و تلف است .

ماده ۱۰۸۵ - زن می تواند تا مهر به او تسلیم نشده از ایفای وظایفی که در مقابل شوهر **دارد امتناع کند مشروط بر اینکه مهر او حال باشد و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود .**

*رای وحدت رویه ۶۳۳ - ۱۴/۳/۱۳۷۸ : . . . گرچه طبق ماده (۱۰۸۵) ق . م . مادام که **مهریه** زوجه تسلیم نشده ، در صورت حال بودن مهر ، زن می تواند از ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود لکن مقررات این ماده صرفاً به رابطه حقوقی زوجه و عدم سقوط حق مطالبه نفقه زن مربوط است و از نقطه نظر جزایی با لحاظ مدلول ماده (۶۴۲) ق . م . ا . (تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده) مصوب ۲/۳/۱۳۷۵ مجلس شورای اسلامی * که به موجب آن حکم به مجازات شوهر به علت امتناع از تادیه نفقه زن به تمکین زن منوط شده است و با وصف امتناع زوجه از تمکین ولو به اعتذار استفاده از اختیار حاصله از مقررات ماده (۱۰۸۵) ق . م . حکم به مجازات شوهر نخواهد شد و در این صورت حکم شعبه دوم دادگاه عمومی تهران مشعر بر برائت شوهر از اتهام ترک انفاق زن که با این نظر مطابقت دارد با اکثریت قریب به اتفاق آرا صحیح و قانونی تشخیص می شود

*ماده ۶۴۲ ق . م . ا . - **هرکس با داشتن استطاعت مالی نفقه زن خود را در صورت تمکین ندهد یا از تادیه نفقه سایر اشخاص واجب النفقه امتناع نماید دادگاه او را از سه ماه و یک روز تا پنج ماه حبس محکوم می نماید .**

ماده ۱۰۸۶ - اگر زن قبل از اخذ مهر به اختیار خود به ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد قیام نمود دیگر نمی تواند از حکم ماده قبل استفاده کند ، مع ذلك حقی که برای مطالبه مهر دارد ساقط نخواهد شد .

ماده ۱۰۸۷ - اگر در نکاح دائم مهر ذکر نشده یا عدم مهر شرط شده باشد نکاح صحیح است و طرفین می توانند بعد از عقد مهر را به تراضی معین کنند و اگر قبل از تراضی بر مهر معین بین آنها نزدیکی واقع شود زوجه مستحق مهرالمثل خواهد بود .

ماده ۱۰۸۸ - در مورد ماده قبل اگر یکی از زوجین قبل از تعیین مهر و قبل از نزدیکی بمیرد زن مستحق هیچگونه مهری نیست .

ماده ۱۰۸۹ - ممکن است اختیار تعیین مهر به شوهر یا شخص ثالثی داده شود در این صورت شوهر یا شخص ثالث می تواند مهر را هر قدر بخواهد معین کند .

ماده ۱۰۹۰ - اگر اختیار تعیین مهر به زن داده شود زن نمی تواند بیشتر از مهرالمثل معین نماید .

ماده ۱۰۹۱ - برای تعیین مهرالمثل باید حال زن از حیث شرافت خانوادگی و سایر صفات و وضعیت او نسبت به امثال و اقربان و اقارب و همچنین معمول محل و غیره در نظر گرفته شود .

ماده ۱۰۹۲ - هرگاه شوهر قبل از نزدیکی زن خود را طلاق دهد زن مستحق نصف مهر خواهد بود و اگر شوهر بیش از نصف مهر را قبلاً داده باشد حق دارد مازاد از نصف را عیناً یا مثلاً یا قیمتاً استرداد کند .

ماده ۱۰۹۳ - هرگاه مهر در عقد ذکر نشده باشد و شوهر قبل از نزدیکی و تعیین مهر زن خود را طلاق دهد زن مستحق مهرالمثل خواهد بود .

ماده ۱۰۹۴ - برای تعیین مهرالمتعه حال مرد از حیث غنا و فقر ملاحظه می شود .

ماده ۱۰۹۵ - در نکاح منقطع عدم ذکر مهر در عقد موجب بطلان است .

ماده ۱۰۹۶ - در نکاح منقطع موت زن در اثنای مدت موجب سقوط مهر نمی شود و همچنین است اگر شوهر تا آخر مدت با او نزدیکی نکند .

ماده ۱۰۹۷ - در نکاح منقطع هرگاه شوهر قبل از نزدیکی تمام مدت نکاح را ببخشد باید نصف مهر را بدهد .

ماده ۱۰۹۸ - در صورتی که عقد نکاح اعم از دائم یا منقطع باطل بوده و نزدیکی واقع نشده زن حق مهر ندارد و اگر مهر را گرفته شوهر می تواند آن را استرداد نماید .

ماده ۱۰۹۹ - در صورت جهل زن به فساد نکاح و وقوع نزدیکی زن مستحق مهرالمثل است .
 ماده ۱۱۰۰ - در صورتی که مهرالمسمی مجهول باشد یا مالیت نداشته باشد یا ملک غیر باشد در صورت اول و دوم زن مستحق مهرالمثل خواهد بود و در صورت سوم مستحق مثل یا قیمت آن خواهد بود مگر اینکه صاحب مال اجازه نماید .

ماده ۱۱۰۱ - هرگاه عقد نکاح قبل از نزدیکی به جهتی فسخ شود زن حق مهر ندارد مگر در صورتی که موجب فسخ ، عنن باشد که در این صورت با وجود فسخ نکاح ، زن مستحق نصف است .

رئیس قوه قضائیه اشاره کرد در شرایط خاص زمانی که زن خواستار طلاق شده و ادعای طلاق حرجی دارد لا اقل از مهریه چشم پوشی کند .
 پیرو مراجعات مختلف بانوان نزد آقای شاهرودی برای درخواست طلاق حرجی و همینطور بروز پدیده هایی خاص مثل جوانی که بعد از عقد و قبل از عروسی بواسطه درخواست زوجه مجبور به طلاق قضائی شده بود و پیرو این اتفاق زوجه مهریه خود را به اجرا گذاشته و همسرش را به زندان فرستاده بود در راهنماییهایی به مسولان مطلب فوق را بیان کرد .
 در پی این موضوع رئیس کل دادگستری استان تهران نیز مطالبی را در این خصوص بشرح زیر بیان کرد .

حرج باید از دو طرف باشد

همچنین عباسعلی علیزاده، رئیس کل دادگستری استان تهران در حاشیه برنامه ملاقات مردمی رئیس قوه قضائیه در گفت وگو با خبرنگاران، با اشاره به يك نکته حقوقی درباره طلاق حرجی که در دیدار آیت الله شاهرودی با یکی از مراجعه کنندگان مطرح شده بود، توضیح داد: طبق قانون، طلاق در اختیار مرد است و همه فقها این نکته را قبول دارند، اما در بعضی موارد، عرصه چنان بر همسر تنگ می شود که وی ترجیح می دهد تحت هیچ شرایطی با شوهرش زندگی نکند، در چنین شرایطی زن حق دارد درخواست طلاق حرجی نماید. علیزاده افزود: تاکنون دادگاه حکم طلاق را صادر می کرده و کاری به مهریه نداشت، زن هم پس از طلاق تقاضای اجرای مهریه می کرد که این امر گاهی موارد باعث به زندان رفتن همسر و یا باعث بروز اختلاف های دیگری می شده است. اما آیت الله شاهرودی گفتند که اگر طلاق حرجی می خواهد صادر شود، حرج باید از دو طرف باشد یعنی هم نسبت به مرد و هم نسبت به زن. یعنی اگر زن می خواهد طلاق بگیرد لااقل

مهریه را نگیرد. رئیس کل دادگستری تهران، نظر رئیس قوه قضائیه را در این زمینه برای تمامی دادگستری ها راه گشا و لازم الاجرا دانست.

البته بعد از نشر این اخبار سوالات فراوان دیگری مطرح شد که خلاصه مطلب به این صورت بود که لا اقل قضاات این نکته را در ذهن داشته باشند زمانی که علقه زوجیت به مرحله عروسی نرسیده و زوجه ادعای عسر و حرج دارد در تعلق گرفتن مهریه به او تامل بیشتری بکنند . و بر اساس اخبار منتشره زوجیهایی که به این صورت دچار مشکل میشوند حداقل از به زندان افتادن بعد از طلاق بواسطه اجرای مهریه از طرف زوجه معاف باشند .

نظری دینی در مورد مهریه

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمْ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَجِرَاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَءَاتُوهُنَّ مَا أَنْفَقُوا وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكَوَافِرِ وَسَأَلُوا مَا أَنْفَقْتُمْ وَلَيْسَ لَكُمْ أَنْفَقُوا مَا أَنْفَقُوا عَلَيْكُمْ إِلَيَّ مِنَ الْأَمْوَالِ الَّتِي كُنْتُمْ تُكْتَبُونَ وَلَا تَنْفِقُوا مِنْهَا مَا أَنْفَقْتُمْ وَلَا تَتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ (11)

ترجمه :

- 10 - ای کسانی که ایمان آورده اید هنگامی که زنان با ایمان به عنوان هجرت نزد شما آیند آنها را آزمایش کنید - خداوند از ایمان آنها آگاهتر است - هرگاه آنان را مؤمن یافتید آنها را به سوی کفار بازنگردانید ، نه آنها برای کفار حلالند ، و نه کفار برای آنها حلال ، و آنچه را همسران آنها پرداخته اند به آنها بپردازید ، و گناهی بر شما نیست که با آنها ازدواج کنید هرگاه **مهر**شان را به آنها بدهید ، و هرگز همسران کافره را در همسری خود نگه ندارید و حق دارید **مهری** را که پرداخته اید مطالبه کنید ، همانگونه که آنها حق دارند **مهر** زنانشان را که از آنان جدا شده اند از شما مطالبه کنند ، این حکم خداوند است که در میان شما حکم می کند و خداوند دانا و حکیم است .
- 11 - و اگر بعضی از همسران شما از دستتان بروند و شما در جنگی به آنان پیروز شدید و غنائمی گرفتید به کسانی که همسرانشان رفته اند همانند **مهری** را که پرداخته اند بدهید ، و از مخالفت خداوندی که همه به او ایمان دارید بپرهیزید .

تفسیر نمونه ج : 24 ص : 34

شان نزول :

جمعی از مفسران در شان نزول این آیات چنین آورده اند که : رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در حدیبیه با مشرکان مکه پیمانی امضاء کرد که یکی از مواد پیمان این بود که هر کس از اهل مکه به مسلمانان پیوندد او را بازگردانند ، اما اگر کسی از مسلمانان اسلام را رها کرده به مکه بازگردد می توانند او را برنگردانند . در این هنگام زنی به نام سبیعه اسلام را پذیرفت ، و در همان سرزمین حدیبیه به مسلمانان پیوست ، همسرش خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و گفت : ای محمد ! همسرم را به من بازگردان ، چرا که این یکی از مواد پیمان ما است ، و هنوز مرکب آن خشک نشده ، آیه فوق نازل شد و دستور داد زنان مهاجر را امتحان کنند (ابن عباس می گوید امتحانشان به این بود که باید سوگند یاد کنند هجرت آنها به خاطر کینه با شوهر ، یا علاقه به سرزمین جدید ، و یا هدف دنیوی نبوده بلکه تنها به خاطر اسلام بوده است) . آن زن سوگند یاد کرد که چنین است . در اینجا رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) **مهریه** ای را که شوهرش پرداخته بود و هزینه هائی را که متحمل شده بود به او پرداخت و فرمود : طبق این ماده قرارداد تنها مردان را باز می گرداند نه زنان را .

تفسیر : جبران زیانهای مسلمین و کفار

در آیات گذشته سخن از بغض فی الله و قطع پیوند با دشمنان خدا بود ، اما در آیات مورد بحث سخن از حب فی الله و برقرار ساختن پیوند با کسانی است که از کفر جدا می شوند و به ایمان می پیوندند . در نخستین آیه از زنان مهاجر ، سخن می گوید ، و جمعا هفت دستور در این آیه وارد شده که عمدتا در باره زنان مهاجر ، و قسمتی نیز در باره زنان کافر است . 1 - نخستین دستور در باره آزمایش زنان مهاجرات است ، روی سخن را به مؤمنان کرده ، می فرماید : ای کسانی که ایمان آورده اید ! هنگامی که زنان با ایمان به عنوان هجرت نزد شما آیند ، آنها را از خود نرانید ، بلکه آزمایش کنید (یا ایها الذین آمنوا اذا جائکم المؤمنات مهاجرات فامتحنوهن) .

دستور به امتحان ، با اینکه آنها را مؤمنان نامیده به خاطر آن است که آنها ظاهرا شهادتین را بر زبان ، جاری می کردند و در سلك اهل ایمان بودند ، اما امتحان برای این بود که اطمینان حاصل شود که این ظاهر با باطن هماهنگ است . اما نحوه این امتحان چنانکه گفتیم به این ترتیب بود که آنها را سوگند به خدا می دادند که مهاجرتشان جز برای قبول اسلام نبوده ، و آنها باید سوگند یاد کنند که به خاطر دشمنی

با همسر و یا علاقه به مرد دیگری ، یا علاقه به سرزمین مدینه و مانند آن هجرت نموده اند .

این احتمال نیز وجود دارد که آیه دوازدهم همین سوره تفسیری باشد بر کیفیت امتحان زنان مهاجر که (طبق آن باید) با پیغمبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) بیعت کنند که راه شرك نیویند ، و گرد سرقت و اعمال منافی عفت ، و کشتن فرزندان ، و مانند آن نروند ، و سر تا پا تسلیم فرمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) باشند .

البته ممکن است کسانی در آن سوگند و این بیعت نیز خلاف بگویند اما مقید بودن بسیاری از مردم حتی مشرکان در آن زمان به مساله بیعت و سوگند به خدا سبب می شد که افراد کمتر دروغ بگویند ، و به این ترتیب امتحان مزبور ، گرچه همیشه دلیل قاطعی بر ایمان واقعی آنها نبود اما غالباً می توانست بیانگر این واقعیت باشد . لذا در جمله بعد می افزاید : خداوند از درون دل آنها و ایمانشان آگاهتر است (الله اعلم بایمانهن) .

2 - در دستور بعد می فرماید : هرگاه از عهده این امتحان برآمدند و آنها را مؤمن واقعی دانستید ، آنها را به سوی کفار بازنگردانید (فان علمتموهن مؤمنات فلا ترجعوهن الی الکفار) .

درست است که یکی از مواد تحمیلی پیمان حدیبیه این بود که افرادی را که به عنوان مسلمان از مکه به مدینه هجرت می کنند به مکه بازگردانند ولی این ماده شامل زنان نمی شد ، و لذا پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) هرگز آنها را به کفار باز نگرداند ، کاری که اگر انجام می شد با توجه به ضعف فوق العاده زنان در آن جامعه سخت خطرناک بود .

3 - در سومین مرحله که در حقیقت دلیلی است برای حکم قبل اضافه می کند : نه این زنان بر آنها حلالند ، و نه آن مردان کافر بر این زنان با ایمان (لا هن حل لهم و لا هم یحلون لهن) .

باید هم چنین باشد چرا که ایمان و کفر در یکجا جمع نمی شود ، و پیمان مقدس ازدواج نمی تواند رابطه در میان مؤمن و کافر برقرار سازد ، چرا که اینها در دو خط متضاد قرار دارند ، در حالی که پیمان ازدواج باید نوعی وحدت در میان دو زوج برقرار سازد و این دو با هم سازگار نیست .

البته در آغاز اسلام که هنوز جامعه اسلامی استقرار نیافته بود زوجهایی بودند که یکی کافر و دیگری مسلمان بود ، و پیامبر از آن نهی نمی کرد تا اسلام ریشه دواند ، ولی ظاهراً بعد از صلح حدیبیه دستور جدائی کامل داده شد و آیه مورد بحث یکی از دلائل این موضوع است .

4 - از آنجا که معمول عرب بود که **مهریه** زنان خود را قبلاً می پرداختند در چهارمین دستور می افزاید : به همسران کافر آنها آنچه را در طریق این ازدواج اتفاق کرده اند بپردازید (و أتوهم ما انفقوا) .

درست است که شوهرشان کافر است اما چون اقدام بر جدائی به وسیله ایمان از طرف زن شروع شده ، عدالت اسلامی ایجاب می کند که خسارات همسرش پرداخته شود .

آیا منظور از انفاق در اینجا تنها **مهر** است ، و یا سایر هزینه هائی را که در این راه متحمل شده نیز شامل می شود ؟ غالب مفسران معنی اول را برگزیده اند ، و قدر مسلم از آیه نیز همین است ، هر چند بعضی مانند ابو الفتوح رازی در تفسیرش نفقات دیگر نیز گفته است .

البته این پرداخت **مهر** در مورد مشرکانی بود که با مسلمانان پیمان ترك مخاصمه در حدیبیه یا غیر آن امضاء کرده بودند .

اما چه کسی باید این **مهر** را پردازد ؟ ظاهر این است که این کار بر عهده حکومت اسلامی و بیت المال است ، چرا که تمام اموری که مسئول خاصی در جامعه اسلامی ندارد بر عهده حکومت است و خطاب جمع در آیه مورد بحث گواه این معنی است (همانگونه که در آیات حد سارق و زانی دیده می شود) .

5 - حکم دیگر که به دنبال احکام فوق آمده این است که می فرماید : گناهی بر شما نیست که با آنها ازدواج کنید هر گاه **مهر** آنها را پردازید (و لا جناح علیکم ان تنکحوهن اذا آتیتموهن اجورهن) .

مبادا تصور کنید که چون قبلاً **مهری** از شوهر سابق گرفته اند و معادل آن از بیت المال به شوهرشان پرداخته شده اکنون که با آنها ازدواج می کنید دیگر **مهری** در کار نیست و برای شما مجانی تمام می شود ! نه ، حرمت زن ایجاب می کند که در ازدواج جدید نیز **مهر** مناسبی برای او در نظر گرفته شود .